



## دغدغه دین یا دنیا؛ بازخوانی دلیل دعوت کوفیان از امام حسین(ع)

استاد دانشگاه مفید ضمن اشاره به نقش اساسی رضایتمندی مردم از حکومت در موفقیت جامعه تصریح کرد: علت قیام مردم علیه حکومت عثمان و معاویه، انگیزه دینی نبود بلکه عوامل اجتماعی و نارضایتی از وضع جامعه بود.

استاد دانشگاه مفید ضمن اشاره به نقش اساسی رضایتمندی مردم از حکومت در موفقیت جامعه تصریح کرد: علت قیام مردم علیه حکومت عثمان و معاویه، انگیزه دینی نبود بلکه عوامل اجتماعی و نارضایتی از وضع جامعه بود.

به گزارش اینکنا، ششمین نشست از سلسله نشست های «آرامش بخشی عاشورا» که به همت کانون توحید برگزار می شود، شب گذشته ۲۳ مردادماه، همزمان با شب ششم ماه محرم با سخنرانی حجت الاسلام محمدرضا یوسفی؛ استاد دانشگاه مفید با موضوع «نقش نارضایتی مردم کوفه در قیام سیدالشهدا» برگزار شد.

در ادامه متن سخنرانی این نشست از نظر می گذرد.

آنچه برای بحث در نظر من است آرامش در درون جامعه است یعنی چه عواملی باعث می شود، آرامش جامعه به هم بخورد. برای اینکه یک انسان از درون آرامش پیدا کند، برخی عوامل به درون انسان برمی گردد ولی برخی عوامل بیرونی هستند. اگر شرایط اجتماعی مساعد نباشد ممکن است درون انسان هم به هم بریزد. در قرن اخیر مسئله ثبات و آرامش جامعه بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ از این جهت که اساسا این ثبات را شرط موفقیت خیلی از کشورهای جهان می دانند. اگر ثبات وجود داشته باشد زمینه برای موفقیت فراهم می شود. البته جامعه بی دلیل باثبات نمی شود و این امر به رابطه بین مردم و حکومت ارتباط دارد. اگر این رابطه مثبت باشد به طور طبیعی ثبات در جامعه شکل می گیرد و حکومت احساس می کند در بزنگاه های تاریخی می شود به این مردم اتکا کرد.

اهمیت مسئله رضایتمندی

اگر در کشوری رضایتمندی مردم از حکومت وجود داشته باشد، این کشور یک کشور قدرتمندی است که می تواند آینده را رقم بزند ولی اگر این اتفاق رخ نداد، این کشور یک کشور موفق نخواهد بود. می خواهم بگویم در قرن بیست و یکم مسئله رضایتمندی هر روز اهمیت بیشتری پیدا می کند. حالا سوال می شود آیا این مختص جوامع غربی است یا می تواند در هر کشوری وجود داشته باشد؟ این مسئله، مسئله یک کشور نیست. جوامع دارای قوانینی هستند که بر آنها حاکم است و تفاوتی ندارد جامعه اسلامی باشد یا اسلامی نباشد. اگر بتوانند رضایتمندی را در جامعه ایجاد کنند می توانند موفق شوند و سطح رفاه جامعه را بالا ببرند. جالب این است وقتی به متون دینی خودمان مراجعه می کنیم، مثل نامه امیرالمومنین(ع) به مالک اشتر، می بینیم روی این اصل خیلی دست گذاشته اند. مثلا ایشان در نامه به مالک اشتر می گویند؛ سه مسئله برای رضایتمندی مردم از شما بسیار لازم است، از جمله سطح رفاه و اینکه چیزی بر آنها تحمیل نکنید. نتیجه اش این است که در بزنگاه ها می توانید بر این مردم تکیه کنید. رسول خدا(ص) و امیرالمومنین(ع) در عمل به این موضوع توجه داشتند که رضایتمندی مردم شکل بگیرد. پس رضایتمندی مردم از حکومت یک اصل اساسی است.

عوامل نارضایتی مردم از حکومت عثمان

اینجا یک سوالی مطرح می شود و آن اینکه چه اتفاقاتی باید بیفتد تا مردم نسبت به حکومت راضی باشند و به عکس؛ چه اتفاقاتی رخ می دهد که باعث می شود مردم از حکومت ناراضی باشند. من برای اینکه این مسئله را تبیین کنم می توانم به دو تجربه تاریخی اشاره کنم. یکی دوره حرکت مردم علیه عثمان است و یکی هم واقعه کربلاست. در ذهن ما این طور تصویر شده که در زمان امام حسین(ع) یک امر دینی خدشه دار شده است، ولی جالب است بدانید وقتی مردم کوفه امام حسین(ع) را دعوت کردند یا علیه عثمان قیام کردند، بحثشان بحث دینداری نبود یعنی مردمی که علیه حکومت عثمان قیام کردند نگفتند آزادی در انجام فرائض وجود ندارد.

امیرالمومنین(ع) در خطبه سوم نهج البلاغه عللی که باعث می شود مردم ناراضی باشند را بیان می کند. یکی اینکه دغدغه های حاکم دغدغه های مردمش نبود و به خواسته های شخصی خودش فکر می کرد. دوم اینکه حاکمیت نه بر اساس شایسته سالاری بلکه بر اساس روابط شخصی و قبیله ای بود. وقتی نظامی مبتنی بر شایسته سالاری نباشد، ضریب خطایش بالا می رود. سومین مسئله فساد است، آن هم فساد گسترده. نتیجه این سه چه می شود؟ وقتی شما نتوانی اندیشه های بلند برای مردم داشته باشی، وقتی نظام مبتنی بر شایسته سالاری نباشد و حکومت دچار فساد گسترده شده باشد، نتیجه اش این است که حکومت ساقط می شود. پس امیرالمومنین(ع) این سه مسئله را به طور جدی مطرح می کند که وقتی حکومتی این

سه را داشته باشد نارضایتی بیشتر می شود. این حکومت برای بقای خودش نیازمند استبداد است. امیرالمومنین(ع) به چهارمین عامل هم اشاره می کند و آن همین عامل استبداد است، بعد به مردم خطاب می کند که شما هم تحمل نکرديد و قيام کردید. پس این چهار مسئله باعث شد حکومت عثمان ساقط شود.

نتیجه این چهار مسئله در جامعه چه می شود؟ نتیجه اش دو چیز است؛ یکی فقر است و یکی نابرابری شدید. وقتی این چهار اصل وجود داشته باشد فقر گسترش پیدا می کند و نابرابری تشدید می شود. این دو می تواند باعث نارضایتی مردم از حکومت باشد.

عوامل نارضایتی مردم از حکومت معاویه

راجع به تجربه دوم صحبت کنیم. معاویه آمده و قدرت را دست گرفته و حالا از دنیا رفته است. حکومت هایی که مردم از آنها ناراضی هستند در چند مرحله امکان سقوط دارند. یکی زمانی است که مردم احساس کنند حکومت ضعیف شده است؛ مثلاً وقتی حکومت با یک قدرت خارجی درگیر می شود. یکی از مواردش هم انتقال قدرت است. طبیعتاً وقتی مردم این ضعف را در قدرت حاکم مشاهده می کنند علیه آن انقلاب می کنند. این اتفاق دوم در زمان حضرت سیدالشهدا(ع) رخ داد. سوال این است مردم کوفه چرا از امام حسین(ع) دعوت کردند؟ وقتی تعبیر را نگاه می کنیم سه دسته نامه برای دعوت حضرت وجود داشت ولی یک دسته را بزرگان کوفه نوشتند، در آن نامه ها دلایل خودشان برای ناراحتی و نارضایتی از معاویه را نوشتند.

اولین عامل، این بود که معاویه به شکل دموکراتیک حکومت را به دست نیاورد و قدرت را به زور گرفت. دومین مسئله فساد است و اینکه معاویه اموال عمومی را برای خود و نزدیکانش غصب کرد. سومین مورد دیکتاتوری بود. در این شرایط طبیعتاً یکسری با این دیکتاتوری مخالفت می کنند ولی حکومت معاویه آنها را سرکوب می کرد، از آن طرف آدم های فاسد آزاد بودند. شما در این مباحثی که بزرگان کوفه مطرح کردند اصلاً نمی بینید درباره نماز و روزه حرف بزنند. نارضایتی مردم از امور اجتماعی بود. اینها اموری بود که باعث شده بود مردم نارضایتی داشته باشند. در دوره انتقال قدرت مردم احساس کردند می توانند اوضاع را به هم بزنند لذا به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان دعوت کردند.